****

**موضوع تحقيق : نماز**

**تهيه و تنظيم : فخري السدات عدناني**

**مدرسه : شهيد حسينعلي بابايي منطقه 14 آموزش و پروش تهران**

**آخرين مدرك تحصلي : فوق ليسانس ادبيادت فارسي**

**كد پرسنلي : 67842045**

**مقدمه :**

**مظهر پرستش نماز است ، نماز جزء اوصول دين نيست ولي با اين وجود از آن دسته فروعاتي است كه در شرعيت آدم ، ابراهيم ، موسي و عيس به گونه اي وجود دارد.**

**نماز روح آدمي را جلا و صفا مي بخشد و انسان را به مقام قرب الهي نزديك مي سازد اين ايستادن و نشستن ، اين خم شدن و به خاك افتادن چه معني دارد ؟ در آن زماني كه انسان نيازمند كمك يك نيروي برتر از خود است ، دست نياز به سوي خداي خود دراز مي كند و راز دل خود را بر او مي گشايد . آن نيايش و پرستش و اين راز و نياز و كمك خواهي عبادت نام دارد. و نماز مراسم مخصوص براي پرستش خدا و راز و نياز با اوست . نماز سرور توحيد و يكتا پرستي و سرود فضليت و پاكي است. بايد فكر و روح ما در برابر عوامل شرك آلود پاك و معطر گردد و اين امر امكان ندارد مگر ابن كه به دعا و نيايش او بپردازيم و روح خود را در چشمه ي صاف و زلال الهي شستشو دهيم و بر اين باور ثابت قدم باشيم كه خداوند به عبادت ما و هيچ موجودي ديگر نياز ندارد زيرا (فان ا... غني عن العالمين) (آل عمران 97) بلكه ما فقيران درگاه الهي هستيم (انتم الفقراء الي ا... و هو الغني الحميد ) (فاطر 15) و سرانجام به اين نتيجه برسيم كه عبوديت و پرستش يكي از نيازهاي انسان است.**

**در اي مقاله سعي شده ابعاد گوناگون نماز را با توجه به سخن امام علي و قرآن مورد بررسي قرار دهيم . اميدوارم كه مورد قبول واقع شود.**

**فهرست مطالب**

**مقدمه**

**1 – چرا نماز ميخوانيم**

**2 – با نماز به خدا تقرب جوييد**

**3 – نماز و انبيا**

**4 – نماز و مؤمنان**

**5 – آيات الهي نماز در قرآن**

**6 – نام هاي نماز در قرآن**

**7 – مخالفان نماز**

**8 – آداب نماز و آثار تربيتي آن**

**9 – اهميت نماز اول وقت**

**10 – بخش نامه براي نماز اول وقت**

**11 – گناه زدايي نماز**

**12 – كبر زدايي نماز**

**13 – نماز نشانه ي تواضع**

**14 – ترك نماز موجب عذاب الهي**

**15 – سفارش اهل بيت به نماز**

**16 – اقدام اهل بيت به اقامه نماز**

**17 منابع و ماخذ**

**1 - چرا نماز می خوانیم ؟**

نماز از ارکان عبادات حق است ، بنابراین اول باید بدانیم چرا خداوند را عبادت می کنبم تا آنگاه فلسفه نماز نیز روشن گردد. یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از  اصیل ترین ابعاد وجود آدمی ، حس نیایش و پرستش است ، هر زمان و مکانی که بشر وجود داشته است ، نیایش و پرستش نیز وجود داشته است . پیامبران پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند ، بلکه نوع پرستش را یعنی نوع آداب و اعمالی که باید پرستش به آن شکل صورت گیرد به بشر آموختند . احساس نیایش ، احساس و نیاز غریزی است به کمالی برتر که در او نقصی نیست و جمالی که در آن زشتی وجود ندارد ، انسان در حال پرستش از وجود محدود خویش می خواهد پرواز کند و به حقیقتی پیوند یابد که در آنجا نقص و کاستی و فنا و محدویت وجود ندارد و به قول –اینشتاین – دانشمند بزرگ عصر ما : در این حال فرد به کوچکی آمال و اهداف بشری پی می برد و عظمت و جلالی را که در ماورای امور و پدیده ها در طبیعت و افکار تظاهر می نماید حس می کند . لذاپرستش جزء غرائز ذاتی و فطری بشر است ، یعنی بشر فطرتا گرایش دارد که یک چیز را تقدیس و تنزیه کند و خویشتن را به او نزدیک کند پیام قرآن این است که ای انسان ! رب خود ،پروردگار خود ،صاحب اختیار خودت را بپرست . الذی خلقکم و الذین من قبلکم : کسی که شما و گذشتگان شما را آفریده است . پرستش نوعی رابطه خاضعانه و ستایشگرانه و سپاسگرانه است که انسان با خدای خود برقرار می کند . عبادت و پرستش علاوه براینکه نیاز فطری بشر است ، راز آفرینش انسان نیز عبادت است و ماخلقت الجن و الانس الا لیعبدون (همانا جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند )  عبادت یک پیمان الهی است که انسان در روز ازل با خدای خود پیمان عبودیت بسته است الم اعهدالیکم یا بنی ان لاتعبد و الشیطان انه لکم عدو مبین ،و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم . (ای بنی آدم ، آیا من با شما پیمان نبستم که شیطان را پرستش نکنید و مرا پرستش کنید که راه راست است و شما را به سعادت می رساند .) عبادت ماموریت انسان است .

وما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین ....؟ ( آیا مامور نشدید که فقط خدا را خالصانه پرستش کنید ) اکنون که روشن شد عبادت و پرستش از غرایز ذاتی و از نیازهای  فطری انسان است جایگاه نماز در پرستش و عبودیت روشن

می شود : نماز عالی ترین تجلی پرستش و عبادت است ، زیرا پرستش یا قولی است یا عملی . و نماز هر دو را  در بر دارد چون اذکار نماز مانند قرائت حمد و سوره ، ذکر رکوع و سجود و تشهد عبادت قولی است و قیام و رکوع و سجود عبادت عملی است نماز رفیع ترین و با اهمیت ترین جایگاه را در عبادات دارد  و در راس آنها می باشد نماز منبع تغذیه روح انسان وامداد الهی است انسان با نماز می تواند قوت بگیرد و انرژی در جهت نیل به کمالات حاصل کند . واستعینوا و بالصبر  الصلاه.... (از نماز استمداد کنید ...) کسی که می خواهد یک مسلمان واقعی و مجاهد نیرومند باشد باید نماز خوان خالص و مخلص باشد علی (ع) در آخرین وصایایش که در واپسین لحظات عمر آن حضرت بود فرمود: الله الله فی الصلوه فانها عمود دینکم : ( خدا را خدا را ، درباره نماز که نماز استوانه خیمه دین شماست امام صادق(ع) در آخرین نفس های عمر با برکت خویش فرمودند : لن تنال شفاعتنا مستخفا بالصلاه (هرگز شفاعت ما به مردمی که نماز را سبک بشمارند، خواهد رسید ) . نماز بنیان اعتقادی انسان را به مبداء و معاد تقویت می کند . از حضرت علی (ع) سئوال شد : چرا ما دوبار سجده می کنیم . امیر مومنان (ع) این آیه را خواند : منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تاره اخری . یعنی سجده یاد آور قیامت و صحنه محشر و مبعوث شدن انسان است .

شخصی از امام صادق (ع) پرسید : برترین چیزهایی که بندگان با آن به پروردگارشان تقرب می جویند و نزدیک می شوند چیست ، حضرت فرمودند : بعد از معرفت و شناخت (خداوند متعال ) من بهتر از نماز نمی دانم . و همین اهمیت نماز است که نسبت به کوتاهی به آن شدیدا نهی شده است از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمود: مبادا  نماز خود را ضایع سازید ، زیرا هرکس که نماز خود را ضایع نماید خدا او را با قارون و فرعون و هامان محشور نماید ، و برخدا حق است که او را با منافقان در آتش افکند ، پس وای برکسی که بر نماز خود مواظبت و نگهبانی ننماید .

سبب عزت موجود نماز است نماز              زینت درگه معبود نماز است نماز

بی نماز از نظر لطف خدا محروم است         شرع را مقصد و مقصود نماز است نماز

شاه عطشان که همه عاشق و دیوانه اوست   گفت عز و شرف و جود نماز است نماز

2 - با نماز به خدا تقرّب جویید

کمال آدمی در تخلّق به اخلاق الهی است، پس هر چه انسان ملکوتی تر شود و از عالم ماده و تعلّقات و آلایشهای آن وارسته شود و به یک سخن، هر چه بشر به مقام ربوبی نزدیک تر شود، به همان اندازه به کمال مطلوب انسانی متقرّب تر است. انسان پرهیزکار که از دیدگاه اسلام نمونه انسان کامل است با نماز به خدا تقرّب می جوید و بدین وسیله به منبع و سرچشمه کمال نزدیکتر می شود. در این باره مولا علی - علیه السلام - در نهج البلاغه فرمودند: «الصَّلوةُ قُرْبانُ کُلِّ تَقِیٍّ.»؛ «نماز وسیله تقرّب هر انسان با تقوا است.»

حضرت نماز را موجب نزدیکی با تقوایان به خدا می داند. آنان که روحشان را از هر پلیدی و زشتی حفاظت کرده و در دژی مستحکم از همه آفت ها، دور نگه می دارند، خدا با آنهاست،«أنَّ اللّهَ مَعَ المُتَّقین.»

آنان که سرانجام نیکو دارند: «وَ إنَّ لِلمُتَّقینَ لَحُسْنُ مَآبٍ» و در سایه درختان بهشت و نهرهای جاری متنعّم اند: «إنَّ الْمُتّقینَ فی ضِلالٍ و عُیونٍ.»

متّقین در سایه سار نماز، که کامل ترین و بهترین ذکر خداست، می توانند موجبات نزدیکی هر چه بیشتر خود را به خالق یگانه فراهم آورند.

بی گمان همه انسان ها فطرتا به دنبال نوعی کمال اند و هر یک کمال خود را در چیزی می دانند ولیکن اساس تقرّب، نزدیکی جستن به خداست.

نماز کامل، سبب قرب و منزلت و نزدیکی به معبود است؛ زیرا چنان که ثابت و محقّق است انسان به هر چه رو آورد و توجّه کامل به او داشته باشد، به وی نزدیک می شود و بعضی از اوصاف آن چیز در آیینه دلش هویدا می شود و از اسرار و خصوصیّات آن اطّلاع می یابد. پس چگونه ممکن است کسی روی دل خود را به سوی معبود کند و از قربش بی نصیب شود؟!

3 - نماز و انبیا

قرآن کریم درباره نماز انبیا به تفصیل سخن گفته است.

حضرت ابراهیم - علیه السلام - به خداوند عرض کرد:

«رَبِّ اجْعلنی مُقیمَ الصَّلوةِ وَ مِن ذُریّتی» سوره 1 آيه 2

«پروردگارا من و ذریه مرا در زمره نماز گزاران قرار ده.»

خداوند متعال درباره حضرت اسماعیل می فرماید:

«وَ کانَ یَأمُرُ اَهْلَهُ بِالصَّلاةِ وَ الزَّکاةِ و کانَ عِندَ رَبِّه مَرضِیّا»

«اسماعیل کسان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و نزد پروردگارش پسندیده بود.»

درباره حضرت موسی آمده است:

«فَاعْبُدْنِی و أَقِمِ الصَّلوةَ لِذکرِی» وره 20 آيه 14

«پس مرا به یگانگی بپرست و نماز را برای من اقامه کن.»

درباره حضرت شعیب آمده است:

«قالُوا یا شُعَیبُ أصَلوتُکَ تَأمُرُکَ اَنْ نَتْرُکَ ما یَعْبُدُ اباؤُنا» سوره 11 آيه 87

«قوم شعیب به او گفتند: آیا این نماز تو، تو را امر می کند که دعوی رسالت کنی و ما را از بت پرستی منع کنی.»

درباره حضرت زکریا آمده است:

«فَنادَتْهُ المَلائِکَةُ وَ هُوَ قائمٌ یُصَلِّی فی المِحْرابِ» سوره 3 آيه 39

«پس زکریا را فرشتگان ندا کردند هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود.»

درباره حضرت عیسی آمده است :

«وَ اَوْصانِی بالصَّلوةِ والزَّکوةِ ما دُمْتُ حَیَّا» سوره 19 آيه 31

« عیسی گفت: پروردگار، مرا به نماز و زکات تا زنده ام سفارش فرموده است.»

4 - نماز و مؤمنان

نماز و ایمان به غیب:

«اَلَّذینَ یُؤمِنُونَ بِالغَیبِ وَ یُقیمُونَ الصَّلوة» سوره 2 آيه 3

«کسانی که به جهان غیب ایمان دارند و نماز را به پا می دارند.»

نماز از اوصاف ابرار:

«وَلکِنَّ البرَّ مَن آمَنَ بِاللّهِ... وَ اَقامَ الصَّلوة و آتی الزّکوة.» سوره 2 آيه 177

«نیکوکار کسی است که به خدای عالم و... ایمان آورده و نماز به پا دارد و زکات مال را به مستحق برساند.»

5 - آیات الهی نماز در قرآن

اهمّیّت و جایگاه نماز به عنوان وظیفه الهی در آیات متعدد قرآن کریم مطرح شده است. در ابتدا به آیات نماز در سوره بقره پرداخته، سپس به طرح سایر آیات در سوره های دیگر قرآن با عناوین رابطه نماز و ولایت ؛ نماز و مؤمنـان ؛ نماز و انبیا، و مخالفان نماز می پردازیم. در مجموع 52 آیه از آیات الهی قرآن درباره نماز است.

«اَلَّذین یُومِنُونَ بِالغَیْبِ وَ یُقیمُونَ الصَّلوةَ وِ مِمّا رَزَقْناهُم یُنفِقُونَ» سوره 2 آيه 3

«کسانی که به جهان غیب ایمان آرند نماز را به پا می دارند و از هر چه روزیشان کردیم، انفاق می کنند.»

«وَ أَقیِمُوا الصَّلوةَ وَ ءَاتُوا الزَّکوةَ وَارْکَعُوا مَعَ الرّاکِعینَ» سوره 2 آيه 43

«نماز را به پای دارید و زکات بدهید و با خداپرستان حق را پرستش کنید.»

«وَ استَعینُوا بِالصَّبرِ وَ الصَّلوةِ وَ اِنّها لَکَبیرَةٌ اِلاّ عَلی الخاشِعینَ.» سوره 1 آيه 45

«از خداوند با صبر و نماز یاری بجویید و صبر و نماز به غیر از خاشعان بر دیگران دشوار است.»

«وَ قولُوا لِلنّاسِ حُسنا وَ أقیمُوا الصَّلوة وَ ءَاتُو الزَّکوةَ» سوره 1 آيه 83

«به زبان خوش با مردم تکلّم کنید و نماز را به پای دارید و زکات مال خود را بدهید.»

«وَ أَقیمُوا الصَّلوةَ وَ ءَاتُوا الزَّکوةَ وَ ما تُقَدِّموا لِأنفُسِکُم مِنْ خَیرٍ تَجِدوهُ عندَاللهِ» سوره 2 آيه 110

نماز را به پای دارید و زکات بدهید و بدانید آنچه برای خود پیش می فرستید، در نزد خدا خواهید یافت.»

«وَ إذ جَعَلْنا البَیْتَ مَثابَةً لِلنّاسِ... مِن مَقامِ ابراهیمَ مُصَلّی... وَالعاکفینَ وَ الرُّکَعِّ السُّجُودِ»

«به یاد آر هنگامی که قرار دادیم خانه کعبه را محل امن و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از هر پلیدی پاکیزه دارید برای این که اهل ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدا به جای آرند.»

«وَ أَقامَ الصَّلوةَ وَ ءَاتی الزَّکوةَ وَالمُوفُونَ بِعهدِهِم اذا عاهَدُوا»

«[نیکوکار کسی است که]...نماز را بپا دارد و زکات بپردازد و [نیز کسانی که [هنگامی که عهد می بندند به عهدشان وفا می کنند».

«حافظُوا عَلَی الصَّلواتِ والصّلاةِ الوسْطی و قُوموا لِلّهِ قانتین»

«بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید و خاضعانه برای خدا به پا خیزید.»

«اِنَّ الَذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ أَقامُوا الصَّلوةَ لَهُمْ أَجْرُهُم عِندَ رَبِّهم وَ لا خَوفٌ علیهِم وَ لا هُم یَحزَنُونَ» سوره 2 آيه 277

«همانا آنان که اهل ایمان و نیکوکارند و نماز به پا دارند، آنان نزد پروردگارشان پاداش نیکو خواهند داشت و هرگز ترس از [آینده] و اندوه [از گذشته] نخواهند داشت.»

«فَاِذا قَضیتُمُ الصَلاةَ فَاذکُروا اللّهَ قیاما و قُعُودا و عَلی جُنُوبِکُمْ فاذا اطمأننتم فاقیموا الصلوة اِنَّ الصَّلوةَ کانَتْ علی المؤمنین کِتابا مَوقوتا»

«پس چون نماز به جای می آورید، خدا را در همه حال ایستاده، نشسته و به پهلو خفته یاد کنید و هر گاه آسوده خاطر شدید، نماز را به طور کامل برپا دارید که نماز به وقت های معین بر مؤمنان مقرّر شده است.»

«ربِّ اجْعَلنی مُقیمَ الصّلاةِ وَ مِنْ ذُرّیَّتی رَبَّنا وَ تَقَبَّلْ دُعاء»

«پروردگارا! مرا بر پا دارنده نماز قرار ده و فرزندان مرا نیز، پروردگارا! دعای مرا بپذیر.»

«وَ کانَ یَأمُرُ أهلَهُ بِالصَّلاةَ وَ الزَکاةِ وَ کانَ عِندَ رَبِّهِ مَرْضیّا»

«اسماعیل کسان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و نزد پروردگارش پسندیده بود.»

«واَوْصانِی بِالصلوةِ وَالزکاة مادُمْتُ حِیّاً»

«عیسی گفت که پروردگار مرا به نماز و زکات تا زنده ام سفارش کرد.»

«اُتْلُ ما اُوحِیَ الیک مِنَ الکِتابِ وَ أقِمِ الصَّلاةَ ان الصلوة تَنْهی عَنِ الْفَحشاءِ والمُنکَرِ وَ لَذِکْرُ اللّهِ اکبَرُ وَ اللّهُ یَعْلَمُ ما تَصنَعُونَ»

«آن چه را که از کتاب به تو وحی شده است بخوان و نماز را بر پا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و به یقین یاد خدا از هر عبادتی بالاتر است و خدا می داند چه می کنید؟»

«قَدْ اَفْلَحَ المؤمِنُونَ الَّذینَ هُمْ فی صَلاتِهِم خاشِعُونَ»

«به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان خاشع اند.»

«فَنادَتُه المَلائِکَةُ وَ هُوَ قائِمٌ یُصَلِّی فِی المِحْرابِ»

«پس زکریا را فرشتگان ندا کردند هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود.»

«یا مَریَمُ اُقْنُتی لِرَّبِکِ وَاسْجُدِی وَارْکَعِی مَعَ الرّاکِعینَ.»

«ای مریم! فرمان بردار خدا باش و نماز را با اهل طاعت به جای آر.»

«اُمَّةٌ قائِمَةٌ یَتلُونَ آیاتِ اللّهِ آناءَ اللَّیلِ وَ هُمْ یَسْجُدُونَ.»

«طایفه ای از اهل کتاب در دل شب به تلاوت آیات خدا و نماز و طاعت حق مشغول هستند.»

«یا ایُّها الَّذینَ آمَنُوا لا تَقَرُبوا الصَّلاةَ وَ اَنتُم سُکاری حَتّی تَعلَموا ما تَقُولُونَ.»

«ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا آن زمان که [از مستی بیرون آیید و] بدانید چه می گویید؟»

«الّذینَ اِنْ مَکنّاهم فی الارض اقاموا الصَّلوة و ءاتُوا الزَّکوة»

«مؤمنان کسانی اند که اگر در زمین قدرت و مکنت دهیم شان نماز به پا می دارند و زکات می دهند.»

«رَبَّنا انی اَسْکَنْتُ مِنْ ذُریَّتی بِوادٍ غیرِ ذی ذرعٍ رَبَّنا لیقیموا الصَّلوة.»

«پروردگارا! من فرزندانم را در سرزمینی بی آب و علف ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند.»

«اِنَّما یَعمر مساجِدَ اللّهِ مَن آمَنَ بِاللّهِ والیَومِ الآخِر و اَقام الصَّلوة.»

«تنها کسانی مساجد خدا را آباد می کنند که ایمان به خدا و روز قیامت داشته و نماز را به پا می دارد.»

«قُل اِنَّ صَلاتی و نُسُکی و مَحیایَ و مَماتی للّهِ ربِّ العالَمین.»

«بگو: در حقیقت نماز من و سایر عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است».

«فَخَلَفَ مِن بَعدِهِم خَلْفَ اَضاعُواالصلوة واتَّبَعُوا الشَّهَوات.»

«امّا پس از آنان فرزندان ناشایسته است روی کارآمدند که نماز را تباه کردند.»

«فَإنْ تابُوا و اقامُوا الصَّلوةَ و آتوا الزَکوة فَاخوانُکم فی الدین»

«اگر توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند برادر دینی شما هستند.»

«وَ الذّینَ یُمَسِّکُونَ بِالکِتابِ وَ اقامُوا الصَّلوةَ اِنّا لا نُضیعُ اَجرَ المُصلِحینَ.»

« خدا پاداش کسانی را که به قرآن چنگ می زنند و نماز را به پا می دارند، ضایع نمی کند.»

6 - نام های نماز در قرآن

1- صلوة: «إنّما المؤمنُون... اَلَّذِینَ یُقیمُونَ الصَّلوةَ»

«مؤمنان فقط کسانی اند که نماز را به پا می دارند.»

2- ایمان: «وَ ما کانَ اللّهُ لِیُضِیعَ ایمانَکُمْ»

«خدا نماز شما را بدون پاداش نمی گذارد.»

3- تسبیح: «فَسُبْحانَ اللّهِ حینَ تُمْسُونَ وَ حینَ تصبحُونَ.»

«هنگام شام و صبح و شبانگاه و نیمروز نماز به جا آورید.»

4- قرآن: «اَقِم الصَّلوةَ لِدُلُوک الشمس... و قُرآنَ الْفَجر.»

«پس از زوال آفتاب تا هنگام تاریکی شب نماز را به پای دار و... و نماز صبح را بجای آور.»

5- حَسَنَةَ: «وَ اَقِمِ الصَّلوة... اِنَّ الْحَسَنات یُذهِبنَ السَّیئات.»

6- رکوع: «وَ اَقیمُوا الصَّلوةَ... وَارْکَعُوا مَعَ الرّاکِعین.»

«نماز را بپا دارید... و با نمازکنندگان، نماز به جای آورید.»

7- قُنُوت: «یا مَریَمُ اُقنُتی لِرَبِّکِ وَاسجُدِی وَارْکَعِی مَعَ الرّاکِعین.»

«ای مریم! برای پروردگار خود به نماز بایست»

8- قیام و سجده: «لَیْسُوا سَواءً، مِنْ اَهلِ الکِتابِ اُمّةٌ قائمةٌ، یَتلُونَ آیاتِ اللّهِ آناءَ اللَّیلِ وَ هُمْ یَسْجُدون.»

«ولی همه آنان یکسان نیستند. از میان اهل کتاب،گروهی هستند که قیام می کنند (نماز به پا می دارند)و در دل شب آیات الهی را در حال سجده می خوانند.»

9- استغفار: «وَ اللّهُ بَصیرٌ بِالعِبادِ الَذینَ... وَالمُسْتَغفِرینَ بِالأَسْحارِ»

«خداوند به امور بندگان خود بیناست. همان کسانی که می گویند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم،... اینان شکیبایان، راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و آمرزش خواهان در سحرگاهانند.»

10- ذِکرْ: «حافِظُوا عَلَی الصَّلواتِ... فَإذا اَمِنْتُم فاَذکْرواللّهَ»

«بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید،... پس اگر بیم داشتید، پیاده یا سواره نماز کنید و چون ایمن شدید، خدا را یاد کنید.»

11- امانت: «اِنّا عَرَضْنَا الأمانَةَ عَلَی السَّمواتِ و الْأرْضِ والْجِبَالِ فَاَبَیْنَ اَنْ یَحْمِلْنَهَا وَ اَشْفَقْنَ مِنْهَا و حَمَلَها الإنْسَانُ...»

«ما، امانت خود را بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، از برداشتن آن سرباز زدند و از آن ترسیدند و انسان، آن را برداشت...»

7 - مخالفان نماز

ترک کنندگان نماز:

«فَلا صدّقَ و لا صَلّی»

«او هرگز ایمان نیاورد و هرگز نماز نخواند.»

سهل انگاران در نماز:

«فَوَیلٌ لِلمُصَلّین الَّذینَ هُمْ عَن صَلوتِهِم ساهُون»

«پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل انگاری می کنند!»

ضایع کنندگان نماز:

«فَخَلَفَ مِن بَعدِهم خَلْفَ اَضاعُوا الصَّلوة واتَّبَعُوا الشَّهَوات.»

«پس از آنان جانشینانی آمدند که نماز را تباه کردند و به دنبال شهوات رفتند.»

«وَ إذا قامُوا إلی الصَّلوةِ قامُوا کُسالی.»

«منافقان هنگامی که به نماز بر می خیزند با کسالت بر می خیزند و در برابر مردم ریا می کنند.»

نماز بر پایه یقین و ولایت

«[وَ سَمِعَ رَجُلاً مِنَ الحَروریَّة، یَتَهَجَّدُ وَ یَقْرَأُ فقال:] نَومٌ علی یقینٍ خیرٌ مِنْ صَلوةٍ فی شکٍّ.»

«حضرت علی ـ علیه السلام ـ [صدای یکی از خوارج را شنید که نماز شب می خواند و قرآن تلاوت می کرد، فرمود:] خواب توأم با یقین بهتر از نماز با شک است.»

نمازی که برپا داشتن آن سفارش شده، از نمازگزارانی مورد انتظار است که دلهایشان سرشار از یاد خدا و عشق به او باشد و هیچ چیز نتواند در آن خِلَلی وارد کند.

حضرت علی ـ علیه السلام ـ درباره یقین فرموده اند:

«یُستَدَلُّ عَلَی الیَقین بِقَصْر الاَمَلِ وَ اِخلاصِ العَمَل و الزُّهدِ فی الدُّنیا.»

«آنچه بر یقین دلالت می کند کوتاهی آرزو؛ خالص گردانیدن عمل و بی رغبتی به دنیا است.»

برپا داشتن نماز از کسانی پسندیده است که به یگانگی خدا و روز جزا ایمان دارند و از آرزوهای دور و دراز دنیوی چشم پوشیده و اعمالشان را برای خدا خالص کرده اند و هیچ سخنی و عملی نتواند در نیّات پاکشان خللی وارد کند؛ وگرنه کسانی که در عدالت مجسّم و حقانیّت برگزیده خدا و رسول هم شک کرده و می کنند بهتر است که به همراه خواب روح و قلبشان، چشمانشان را نیز به خاک بسپارند.

نماز هر چند که یک سلسله اعمال است که انسان موظّف است آنها را به جا آورد و ترتیب و موالات را رعایت کند و چیزی کم یا زیاد نکند ولیکن جان نماز ایمان و یقینی است که در دل انسان با ایمان قرار دارد و او را به انجام این اعمال وا می دارد و یقین و اطمینانی که در حرکات و سکنات نمازگزار متجلّی می گردد، به این عبادت شکل و معنی می دهد. به عبارت دیگر، نماز توأم با شناخت، درک، شعور و فهم، دارای ارزش است و بدون آن کالبد بی روحی است که بهائی ندارد. همین است که گفته می شود اگر انسان شب بخوابد و نماز شب نخواند امّا دلش آکنده از یقین و شناخت و معرفت باشد، بهتر از کسی است که شب تا سحر بیدار بماند و نماز بخواند لیکن فهم و شعور و شناخت و آگاهی نداشته باشد و فردی متحجّر و بی معرفت باشد همچون خوارج.

حضرت برای خوارج روشن فرمود که اینان که امام خود را نشناخته و در یکی از ارکان دین تردید دارند، نماز شب و قرآن خواندنشان بی نتیجه است.

اگر نماز با معرفت و یقین باشد، به اقتضای درجه معرفت و یقین، نمازگزار حلاوت و شیرینی نماز را درک می کند و تحت هیچ شرایطی دست از عشقبازی با آن نمی کشد، اگرچه بدنش آماج تیر شود. لازم به ذکر است که از ابتدای سخن امیرالمؤمنین، حضرت علی ـ علیه السلام ـ معلوم می شود که منظور از «نماز با شک» نماز استحبابی و نماز شب است؛ زیرا نماز واجب در هیچ حالتی ساقط نمی شود، مگر این که بگوییم امام ـ علیه السلام ـ درصدد بیان این مطلب است که نماز بدون ولایت نماز نیست، نه این که اصلاً نماز نخواند.

8 - آداب نماز و آثار تربيتى آن

شـرايـط و آداب نماز به قدرى زياد است كه تمام نظام ها و روابط انـسـانـى را بـه طور خودكار تنظيم و اصلاح مى كند. توجه به همه آثـار تـربيتى نماز كار مشكلى است ولى ما چند نمونه آن را بيان مى كنيم:

1. ادب در بـرابـر سـخـن امـام جماعت; در نماز جماعت وقتى امام مشغول خواندن حمد و سوره است بايد ساكت باشيم.

2. مـراعات حقوق ديگران; آب وضو, مكان نمازگزار و لباس او بايد حـلال و از مـال ديگران و غصبى نباشد; حتى اگر از مال خمس نداده لباس تهيه كند, نمازش باطل است.

3. تـغـذيـه و بهداشت نمازگزار; اگر نمازگزار از مشروبات الكلى اسـتـفـاده كـرده باشد, تا چهل روز نمازش مورد قبول نيست. لباس نـمـازگـزار نيز بايد پاك باشد و بهتر است به هنگام نماز عطر و مسواك زد و موها را شانه كرد.

4. همسردارى; كسى كه به همسر خود نيش بزند, نمازش قبول نيست.

5. ولايت; كسى كه اهل نماز است ولى تسليم طاغوت ها است و ولايت و حـكـومـت رهـبـران اسلامى را پذيرا نيست, نمازش قبول نيست; گرچه تمام عمر در كنار كعبه باشد.

6. نـظـم و ترتيب; در تمام كلمات و كارهاى نماز نظم و ترتيب به چشم مى خورد.

7. انـعطاف و هم آهنگى; امام جماعت بايد با مردم هم آهنگ باشد; بـه ايـن معنا كه مراعات ضعيف ترين افراد را بكند. اگر كسى دير بـه جماعت رسيد, امام بايد كمى ركوع خود را طول بدهد تا او نيز بـه نـمـاز بـرسد. مردم نيز بايد خود را با امام هم آهنگ كنند; مـثـلا كسانى كه يك ركعت از نماز جماعت عقب هستند و در ركعت دوم بـه جـمـاعـت پيوسته اند, مى توانند با نوعى انعطاف و تغيير در نماز جماعت شركت كنند.

8. اعـتـماد; اگر هريك از امام يا مردم در انجام قسمتى از نماز شـك كـردنـد, بـايـد بـه يك ديگر اعتماد كنند; يعنى با توجه به رفتار ديگرى تصميم بگيرند.

9. ورزش; اگـرچه نماز براى انجام وظيفه الهى است, ولى طراحى آن طـورى اسـت كه در لابه لاى نماز و حركات ركوع و سجود يك نوع حركت ورزشى نيز نهفته است.

10. آمـوزش اجبارى; نمازگزار بايد مسائل و احكام مورد نياز خود را فراگيرد.

11. آگـاهـى از اخـبـار; مـردم با شركت در نمازجمعه و جماعت با اخبار و مسائل دينى و مشكلات مسلمانان آشنا مى شوند.

12. امـر به معروف و نهى از منكر; (حى على الصلوه) در اذان يكى از بزرگ ترين معروف ها است.

معانى بلند عبارات و الفاظ نماز

نـمازگزار با گفتن (الله اكبر) ابهت همه ابرقدرت ها را مى شكند و خـطـ بـطلان بر همه قدرت هاى طاغوتى, وسوسه هاى ابليس و جاذبه هاى مادى مى كشد.

بـا گفتن (بسم الله) به كار خود قداست و كرامت مى دهد و در خود تـوكـل و وابستگى به قدرت غيبى را ايجاد مى كند و به دنيا اعلام مـى كـنـد قدرتى كه من به او پناه آورده ام, سرچشمه مهربانى ها است.

بـا (الـحـمـدلله) گفتن خود را از اطاعت كردن و بله قربان گفتن انسان هاى سفله و پست رها مى كند.

بـا (رب العالمين) قدرت لايزال خداوندى را بر تمام جهانيان حاكم مى داند.

با (الرحمن الرحيم) تمام هستى را از آن خدا معرفى مى كند.

بـا ايـن جمله بيان مى كند كه نه تنها نعمت هاى مادى خداوند ما را احـاطه كرده بلكه نعمت هاى معنوى خداوند نيز ما را فراگرفته است.

بـا گـفتن (مالك يوم الدين) مسير و آينده را مشخص مى كند و ياد روز سخت دادرسى را در دل زنده مى كند.

تـا ايـن جـا, نمازگزار زمينه براى اظهار بندگى و ابراز نياز و مـددخـواهـى از خدا را فراهم مى كند و بعد از اين مرحله با درك عـظـمـت خـدا و رحـمـتش و ابراز نياز خويش مى گويد: (اياك نعبد وايـاك نـسـتـعـين) تنها مطيع امر تو هستيم نه غلام حلقه به گوش جباران و تنها از تو يارى مى طلبيم.

با گفتن (اهدنا الصراط المستقيم) از خدا طلب هدايت مى كند, چرا كـه با پيمودن اين راه او به تمام هوس ها و افراط و تفريط ها و وسوسه هاى شيطانى پشت پا مى زند.

با گفتن (صراط الذين انعمت عليهم) الگوها را مشخص مى كند.

بـا (غـيـر الـمغضوب عليهم ولا الضالين) به گروه هاى انحرافى كه انسان هاى پاك را اغفال مى كنند, هشدار مى دهد.

بـا ركوع در برابر عظمت پرورگار, اظهار بندگى و اطاعت مى كند و فـروتنى و تواضع و خضوع خود را در برابر عظمت پروردگار نشان مى دهد.

با سجده, تذلل و اظهار كوچكى و خاكسارى در برابر خدا را نمايان مى سازد.

ذكـر مـقـدس (سبحان الله) كه در تمام عبادت ها به چشم مى خورد, حـقـيـقـتـى را در بر دارد كه ريشه در همه عقايد و تفكرات صحيح اسـلامـى دوانده است و زيربناى ارتباط انسان با خدا و صفات كمال او اسـت; روح تعبد و مغز عبادت, همان تسبيح است. توحيد و عدل و نـبـوت و امـامـت و معاد براساس تسبيح خدا و منزه دانستن او از عـيـوب و كـمبودها است. توحيد خالص جز با منزه دانستن پروردگار از شريك و شبيه و عيب و عجز محقق نمى شود.

آثار فردى و اجتماعى نماز

نـمـاز تاثير بسزايى در زندگى فردى و اجتماعى فرد دارد. در اين جا برخى از آن ها را فهرست وار بيان مى كنيم.

نمازگزار در مقايسه با كسى كه نماز نمى خواند, احساس آرامش بيش ترى دارد.

هـنـگـامى كه از طريق نماز, روح خود را به معراج مى فرستد و با خـدا و نام او پيوند مى دهد, احساس عزت و قدرت مى كند و از هيچ كس و هيچ قدرتى نمى ترسد.

نـمازگزار هيچ گاه چشمش را به چيزهاى حرام آلوده نمى كند و نمى گـذارد هوس هاى زودگذر و وسوسه هاى شيطانى روح و ذهنش را مشغول كـنـد. در مـقـابل, دامن گيرى مفاسد, جاذبه هاى آلوده موجود در اجـتـمـاع, زلـف هـا و بدن هاى عريان, صحنه هاى بدآموز و تحريك كـنـنده, موسيقى و نغمه هاى حرام چنان پرده اى بر دل هاى افراد بـى نـماز مى كشند كه آنان را توان مشاهده و ارتباط با ظرايف و لطايف و معنويت نيست.

در جـهان امروز كه لجام گسيختگى فرهنگى به طور فزاينده اى سلامت و امـنيت جانى بسيارى از جوامع را به مخاطره انداخته است و همه روزه شاهد طغيان و عصيان گروه هاى مختلف مردم به ويژه نوجوانان و جـوانان هستيم, كيست كه فريادرس اين مردم باشد؟! آيا چيزى جز نـماز و توكل و امدادهاى غيبى خداوندى مى تواند ناجى اين افراد از مـنـجـلاب ايـن گـنـاهان عظيم شود و آن ها را از سقوط به دره نيستى و فلاكت باز دارد؟

9 - اهمّیّت نماز اوّل وقت

«صَلِّ الصَّلوةَ لِوَقتِهَا المُوَقَّت لها وَ لا تُعَجِّل وَقْتَها لِفَراغٍ و لا تُؤخِّرْها عَنْ وَقْتها لإشتغالٍ». سوره 5 آيه 7

«نماز را در وقت معیّن آن بخوان و برای این که بعداً راحت باشی، پیش از وقت [فضیلت] آن را به جا نیاور و به بهانه کار داشتن، آن را به تأخیر مینداز.»

از آن جایی که نمازهای یومیّه بلکه تمامی فرایض الهی، اوقات معیّن و مشخّصی دارند، نمازگزار با رعایت اوقات نماز آرام، آرام با انضباط و وقت شناس می شود. نماز «تمرین وقت شناسی» است؛ چه این که واجبات دلخواهی نیست که هر وقت و بی وقت انجام شود، بلکه باید سر موعد مقرّر صورت گیرد، نه زودتر و نه دیرتر. انسان نمازگزار باید نمازش را در اوقات معیّن بخواند تا اگر هم نواقصی دارد، خداوند با نماز نیکانش قبول کند.

استاد شهید مطهّری در این باره نوشته است: مسئله مهمّ دیگری که در باب نماز مورد توجّه واقع شده، دقّت زیاد نسبت به مسئله وقت است، به طوری که دقیقا روی دقیقه و ثانیه آن حساب می شود. مسائل تربیتی باید تحت انضباط و شرایط معیّن قرار گیرد تا عدّه ای آن را به فراموشی نسپارند و بهانه ای برای ترک آن نداشته باشند و به خصوص این که انجام عبادات مثل نماز اگر به صورت دسته جمعی و در وقت معیّن خود باشد، دارای شکوه، تأثیر و عظمت خاصّی است که قابل انکار نیست و در حقیقت، کلاس بزرگ انسان سازی است.

درباره فضیلت خواندن نماز در وقت آن و عقوبت تأخیر انداختن در ادای آن، روایات بسیاری وارد شده است، به عنوان نمونه، نوشته اند که حضرت امام رضا ـ علیه السلام ـ برای استقبال از عده ای از اقوام خود، از خانه و شهر خارج شد. در بین راه وقت نماز شد. حضرت به کناری رفت و ایستاد و به یکی از همراهان خود فرمود: "اذان بگو تا نماز بخوانیم!"

عرض کرد: ما در انتظار میهمانان خود هستیم و نماز را بعد خواهیم خواند.

حضرت فرمود: «خدایت بیامرزد! هیچ گاه بدون عذر، نمازت را از اوّل وقت به تأخیر مینداز و همیشه نماز را در اوّل وقتِ آن به جای آور! سپس به نماز ایستادند.

امام علی - علیه السلام - درباره اوقات شرعی نمازهابه یکی از حاکمان شهرها نوشت:

«أمّا بَعدُ فصَلّوا بالنّاس الظّهرَ حتّی تفی ءَ الشَّمسُ مَرْبِضِ العَنْز؛ وَ صَلُّوا بِهِمُ العَصرَ وَ الشَّمسُ بَیضآءُ حَیَّةٌ فی عُضوٍ مِنَ النّهار حینَ یُسارُ فیها فَرسَخانِ وَ صَلّوا بِهِمُ المَغرِبَ حینَ یُفطَرُ الصّائمُ و یَدفَعُ الحاجُّ إلی مِنی و صَّلوا بِهِمُ العِشآءَ حینَ یتوارَی الشَّفَقُ إلی ثُلثِ اللَّیلِ وَ صَّلُّوا بِهِمُ الغداة وَ الرَّجُلُ یَعرفُ وَجهَ صاحِبِه.»

«نماز ظهر را به جماعت هنگامی به پا دارید که سایه آفتاب به اندازه دیوار خوابگاه بزی برگردد و نماز عصر را با آنان هنگامی بخوانید که خورشید در پاره ای از روز روشن و درخشان است و می توان تا هنگام مغرب، پیاده دو فرسخ راه را پیمود و نماز مغرب را با آنان هنگامی به جا آورید که روزه دار افطار می کند و حاجی به مِنی روانه می شود و نماز عشا را با آنها زمانی بخوانید که ثلثی از شب گذشته و سرخی پنهان می گردد و نماز صبح را با آنها هنگامی به پا دارید که شخص، چهره رفیق و همراه خود را بشناسد.»

طبق سخن امیرالمؤمنین، علی ـ علیه السلام ـ نماز در رأس همه امور قرار دارد، هر چند که آن امور هم رتق و فتق کارها و اصلاح امور مردم و رسیدگی به مشکلات آنان که از اهمّ امور و موجب رضا و خشنودی خداست، باشد به عنوان نمونه، می توان دو نوع از برنامه ریزیها و عملکردهای مولا علی ـ علیه السلام ـ را در این باره به نام های: «نماز امانتی بزرگ» و «بخشنامه برای نماز اوّل وقت» نام برد.

10 - بخشنامه برای نماز اوّل وقت

امام علی ـ علیه السلام ـ پس از آن که محمّد بن ابی بکر را برای فرمانداری مصر انتخاب کرد، دستورالعملی برای به نماز اوّل وقت به او نوشت:

«صَلِّ الصَّلوةَ لِوَقْتِها، المُوَقَّت لها و... واعْلَمْ أنَّ کُلّ شی ءٍ مِنْ عملک تبعٌ لِصَلاتِک.»

«نماز را در وقت اختصاصی خودش بخوان (اوّل وقت) و چون که بیکار شده ای و برای این که بعدا راحت باشی آن را از وقت (فضیلت) خود جلوتر نینداز. در انجام نماز شتاب نکن، یا چون به کاری مشغول هستی آن را تأخیر مینداز و بدان که تمام اعمال تو در گرو قبولی نماز توست.»

امام علی - علیه السلام - در نامه 52 نهج البلاغه نیز برای همه استانداران و فرمانداران جهت تعیین اوقات نماز بخشنامه فرستاد.

11 - گناه زدایی نماز:

«وَ اِنَّها لَتَحُتُّ الذّنوبَ حَتَّ الوَرَق.»

«نماز، گناهان را مانند ریزش برگ درختان فرو می ریزد.»

همان طور که جسم گاهی بر اثر آلودگی نیاز به نظافت و تمیزی دارد، روح و روان نیز بر اثر گناهان و خطاها آلوده و مکدّر می شود و نیاز به شست و شو و رفع کدورت دارد. از دیدگاه امام علی - علیه السلام - نماز یکی از مؤثرترین عوامل وارستگی ها و شست و شوی گناهان و رفع و دفع پلیدیهای روحی است؛ زیرا خواه ناخواه نماز، انسان را به توبه و اصلاح گذشته دعوت می کند. خداوند متعال نیز در قرآن کریم حسنات را عامل از بین برنده سیّئات معرّفی می کند و نماز یکی از مهمترین و برترین حسنات است:

«اَقَمِ الصَّلوة طَرَفی النّهارِ و زُلَفا مِنَ اللّیل، إنَّ الحسناتِ یُذهِبنَ السَّیئاتِ» سوره 11 آيه 114

«نماز را در دو طرف روز و ساعتهایی از شب به پا دار، همانا حسنات گناهان را از بین می برد.»

12 - کبر زدایی نماز

امام علی ـ علیه السلام ـ فرمود:

«فَرَض اللّه الصَّلوةَ تنزیها عَن الکِبر».

خداوند متعال نماز را به خاطر پاک شدن از کبر و وارستگی از پلیدی تکبُّر واجب فرموده است.

یکی از مهمترین فواید و آثار نماز، کبرزدایی است. کبر و خودپسندی بزرگترین صفت رذیله و به معنی خود بزرگ دیدن در برابر دیگران است. کبر بر دو قسم ظاهری و باطنی است که خوی باطنی را «کبر» و آثار ظاهری را «تکبّر» می گویند. تمام صفات رذیله و خویهای زشت حیوانی و شهوانی و شیطانی از حالت کبر سرچشمه می گیرد. از این رو، برای جلوگیری از هر خو و صفت زشتی باید از پیدایش کبر جلوگیری کرد و راهش این است که پیوسته «بندگی» را از دست نداد. کبر نه تنها در جامعه متدیّن اسلامی بلکه در تمام ملل و ادیان بشری مورد نکوهش قرار گرفته است. انسان متکبّر پلنگ صفت است و جز خود کسی را نمی بیند. از این رو، انتظار دارد همه کس در برابر او کرنش کند و او خود به کسی اعتنا نکند. همه کس او را احترام و او به دیگران بی احترامی کند.

جای هیچ تردیدی نیست که سرچشمه تکبّر، عقده حقارت است؛ چنان که امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«ما مِنْ رَجُلٍ تَکَبَّرَ اَوْ تَجَبَّرَ إلاّ لِذِلَّةٍ وَجَدَها فی نَفسِهِ.»

«هیچ مردی تکبّر و گردنکشی نکند، مگر برای حقارتی که در درون خود احساس می کند.»

از این رو، شخص متکبّر در پی جبران حقارتی است که در درون خود احساس می کند.

انسان نمازگزار با بندگی به درگاه آن عزیز متکبّر، درونش را سرشار از غرور بندگی، نماید و عزّت دنیا و آخرت را کسب می کند. پس سرچشمه تکبّر؛ یعنی عقده حقارت در نمازگزار حقیقی راهی ندارد و در نتیجه داعیه ای برای تکبّر وی باقی نمی ماند.

13 - نماز نشانه تواضع

«لِما فی ذلِکَ مِنْ تَعفیر عِتاق الوُجُوه بِالتّرابِ تَوَاضُعا، والْتِصاقِ کَرائِم الجَوارِح بِالأرض تَصاغُرا.»

«بندگان مؤمن هنگامی که نماز می خوانند، ساییدن گونه هایشان به خاک نشانه تواضع و گذاردنِ اعضای شریف بر زمین، دلیل کوچکی و اظهار حقارت است.»

همان طور که قبلاً گفته شد از آفات حیات بشری و از موانع بسیار مهمّ رشد معنوی و عقلانی انسان، کبر و نخوت است که ضدّ آن فروتنی است. نماز در حقیقت، تمرین تواضع و خشوع و خضوع است؛ زیرا نمازگزار در هر روز و شب چند مرتبه پیشانی بر خاک می ساید و کبریایی حضرت حق را که قدر مطلق از آنِ اوست، می ستاید، و ضمن متذکّر شدن به عظمت خداوند، حقارت و کوچکی خویش را به خود تلقین می کند.

از آنجا که نماز عبارت است از توجّه کسی که جز فقر و ذلّت ندارد، به سوی درگاه عظمت کبریایی و منبع عزّت؛ و لازمه چنین توجّهی این است که نمازگزار مستغرق در خواری شود و، دلش را از هر چیزی که او را از هدفش باز می دارد، بر کَند، پس اگر ایمان نمازگزار ایمانی صادق باشد، اشتغال به نماز او را از هر کار دیگری باز می دارد.

آری! تواضع، کشتزاری است که در آنجا درخت خضوع و خشوع و ترس و شرم می روید و تواضعِ حقیقی ویژه آن انسانی است که برای خدا تواضع کند.

رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله ـ فرمودند:

«هیچ کس برای خدا تواضع نکرد، مگر این که خدا او را رفعت بخشید.»

انسان با عبادت نماز، می تواند خود را از آثار شوم خودبینی و نخوت گرایی دور سازد و خویشتن را از این رذایل پلیدِ اخلاقی وارهاند.

14 - ترک نماز موجب عذاب الهی

«ألا تَسمَعُونَ اِلی جواب اَهلِ النّارِ حینَ سُئِلُوا: «وَ ما سَلَککُم فی سَقَرٍ؟ قالوا: لَمْ نَکُ مِنَ المُصَلّینَ.»

«آیا به پاسخ اهل دوزخ گوش فرا نمی دهید که وقتی از آنان سؤال می شود: «چه چیز شما را گرفتار دوزخ ساخت؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»

نماز، یاد خدا و بالاترین ذکر اوست؛ نشانه ایمان، سیمای مکتب و ستون دین است. از این رو، ترک نماز از روی عمد از گناهان کبیره شمرده شده است و در بعضی روایات از تارک نماز به عنوان «کافر» تعبیر شده است و مراد کسی است که از روی انکار نماز نخواند، امّا اگر اعتقاد به خدا و رسول و ائمّه طاهرین - سلام اللّه علیهم اجمعین داشته و به احکام الهی از جمله نماز معتقد باشد لیکن از روی مسامحه کاری یا عاملی دیگر نماز را ترک کند، چنین شخصی «فاسق» است.

توجّه به این نکته لازم است که منشأ این تنبلی ها و سهل انگاری ها آلودگی انسان به گناهان است، و گرنه قلبی که به حضرت حق معتقد باشد و آلوده به معصیت نباشد، هرگز نماز را ترک نمی کند؛ زیرا می داند که ترک نماز یعنی قطع رابطه با خدا. ترک نماز در عرض شرک بوده و با او برابر است: «نماز به پا دارید و از شرک آورندگان نباشید.»

تارکان نماز را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

1- تارک نماز از روی انکار.

2- کسی که از روی سهل انگاری و بی اعتنایی تارک نماز است؛

3- تارک نماز در بعضی اوقات؛

4- تارک واجبی از واجبات نماز.

نماز نشانه ملیّت اسلام است، اگر کسی عمدا آن را ترک کند، از اسلام خارج شده است و به یقین به آتش دوزخ الهی گرفتار خواهد آمد. امیرالمؤمنین، ـ علیه السلام ـ فرمود:

«هیچ عملی به پیشگاه خداوند محبوب تر از نماز نیست. پس چیزی از امور دنیا، شما را از خواندن نماز اوّل وقت باز ندارد؛ زیرا خداوند متعال مذمّت کرده قومی را که نسبت به نماز سهل انگاری کنند و فرموده است: وای بر آن نمازگزارانی که از نمازشان غفلت کنند و در انجام آن در اوّل وقت مسامحه ورزند و عمدا آن را به تأخیر اندازند.»

15 - سفارش اهل بیت به نماز

علیّ بن ابراهیم از امام باقر ـ علیه السلام ـ در باره فرموده خدای تعالی: «خانواده خود را به نماز امر کن و خود نیز سخت بر آن پایدار باش.» نقل می کند که حضرت فرمود: «در این آیه به پیغمبر اکرم ـ صلی الله علیه و آله ـ فرمان داده است که به اهل بیتش ـ و نه عموم ـ به طور ویژه دستور دهد تا به همه مردم اعلام شود که اهل بیت محمد ـ صلی الله علیه و آله ـ، در نزد خدا منزلتی ویژه دارند که برای دیگر مردمان نیست؛ زیرا خدای سبحان به آنان جهت اقامه نماز هم فرمان عمومی داده، هم فرمان خصوصی. پس از نزول این آیه، پیغمبر اکرم ـ صلی الله علیه و آله ـ هر روز، وقت نماز صبح به خانه علی ـ علیه السلام ـ می آمد و می فرمود: «سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد» پس اهل بیت ـ علیه السلام ـ یعنی علی ـ علیه السلام ـ، فاطمه ـ علیها السلام ـ، حسن و حسین ـ علیهما السلام ـ در پاسخ نیز اظهار می داشتند: «سلام و رحمت و برکات خدا! نیز بر شما باد ای پیامبر خدا.» پس حضرت دو طرف چهار چوبه در را گرفته و می فرمود: "نماز، نماز، خدا شما را رحمت کند، همانا خدا چنین می خواهد که هر گونه آلودگی را از شما خاندان نبوّت ببرد و شما را از هر ناخالصی پاک گرداند"

در کتاب «مودّة القربی» از انس بن مالک و از زید بن علی بن الحسین ـ علیه السلام ـ و او از پدرش امام سجّاد ـ علیه السلام ـ، از جدّش ـ علیه السلام ـ ماجرای بالا را نقل کرده است. امام حسین ـ علیه السلام ـ نیز به پیروی از جدّش رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله ـ این چنین اهل بیت خود را به نماز سفارش می کرد و در باب اهمّیّت آن به آیه تطهیر اشاره کرده، می فرمود:«اِنَّما یُریدُ اللّهُ لِیُذهِبَ عَنْکُمُ الرِّجسَ اَهْلَ البَیْتِ و یُطَهِّرَکُمْ تطهیرا».

16 - اقدام اهل بیت به اقامه نماز

اهل بیت عصمت و طهارت ـ علیهم السّلام ـ اقامه گران بی نظیر نماز بوده اند، آنان برای اقامه نماز حتّی از جان خود و عزیزان خود در راه خدا گذشته اند.

در زیارت نامه امام حسین ـ علیه السلام ـ می خوانیم: «أشهَدُ أَنَّکَ قَدْ أقَمْتَ الصَّلوةَ و آتَیْتَ الزّکوة» «گواهی می دهم که شما با شهادتت نماز را بر پا داشتی و زکات دادی»

در زیارت مخصوص آن حضرت آمده است: سلام بر تو ای فرزند گرامی رسول خدا! گواهی می دهم که تو نماز را آن چنان که حقیقت آن است، به پا داشتی و زکات را پرداختی و به حق و حقیقت فراخواندی و از تباهی و ناپسندی ها نهی کردی و قرآن را چنان که باید تلاوت کردی و در راه خدا چنان که شایسته بود، جهاد کردی.»

آری! سرور آزادگان نماز را به صورت بی نظیری به پا داشت، آن گونه که مخصوص او بود و نه دیگری.

سفارش و وصیت ایشان به اهل بیت در آخرین لحظات عمر شریف و هنگام شهادت، اقامه نماز اوّل وقت بوده است.

منابع و ماخذ :

* قرآن كريم : عثمان طه ، چاپ هفتم ، انتشارات تابان
* ترجمه و شرح نهج البلاغه ، به قلم فيض الاسلام ، چاپ پنجم 1379 انتشارات فقيه الاسلام ، چاپ پنج 1379 انتشارات فقيه
* استفاده از سايت هاي گوناگون قراني